

# فقه‌های آذربایجان در قرن نوزده و بیست میلادی

الشن اسماعیل اف\*

## چکیده

سرزمین آذربایجان، علما و شخصیت‌های فراوانی را در رشته‌های علوم مختلف از جمله در طب، جغرافیا، تاریخ، ادبیات، علوم قرآن و فقه، به دین اسلام تقدیم کرده است. علمای این منطقه برای تحصیل در رشته فقه، به نجف اشرف مشرف شدند و نزد فقه‌های نام‌دار آن سامان تحصیل کردند و بیشتر آثار خود را در این رشته نگاشتند.

نکته مهم این که به دلیل شرایطی که در دوره کمونیستی بر آذربایجان حاکم بود، نوشتن مقاله در این موضوع، با کمبود منابع مواجه شد؛ از این رو برای نگارش این نوشتار از یک سو از کمک علمای نجف و ایران که با این فقها از نزدیک آشنا بوده‌اند و یا به اسناد مکتوب آنها دست یافته، استفاده شده و از سوی دیگر از کتاب‌هایی مانند؛ *الذریعه الی تصانیف‌الشیعه*، *طبقات اعلام‌الشیعه*، *اعیان‌الشیعه*، *گنجینه دانش‌مندان* و *آثار الحجّه* بهره زیادی برده شده است.

در نهایت این مقاله درباره زندگی و آثار ۳۵ نفر از فقه‌های جمهوری آذربایجان در قرن نوزده و بیست میلادی بحث می‌کند.

واژگان کلیدی: آذربایجان، فقهاء، قرن نوزدهم و بیستم، علماء، علوم، نجف، کربلا، ایران.

\* کارشناس ارشد تاریخ تشیع از آذربایجان.

بیشتر فقهای آذربایجان، بعد از تحصیل علوم ابتدایی، برای تکمیل علوم دینی به شهرهای علمی قم، اردبیل، مشهد، کربلا و به ویژه مرکز و مهد علوم اسلامی نجف اشرف سفر کردند و با استفاده از محضر علمای نامدار این منطقه، به مقام علمی بالا دست یافتند و حتی به مقام اجتهاد و مرجعیت شیعیان نایل شدند؛ از جمله این علما به شیخ عبدالعظیم بادکوبی، شیخ محمدصادق لنکرانی و شیخ محمدعلی نخجوانی می‌توان اشاره کرد.

برخی فقهای آذربایجان بعد از اتمام تحصیلات، به وطن خود، قفقاز برگشتند و مشغول تدریس و تبلیغ در این منطقه شدند. در میان این افراد، از مبارزان و مجاهدان اسلامی، از جمله عبدالغنی بادکوبی، شیخ حنیفه بادکوبی و مولی عبدالغفار نخجوانی می‌توان نام برد که در راه مبارزه با حکومت کمونیستی و بلشویکی، دست‌گیر شدند و به شهادت رسیدند. البته برخی از این شخصیت‌ها توانستند از چنگال آنها نجات یابند. آنها به سبب قتل و کشتار عالمان، بسته شدن مراکز دینی و ممنوعیت دروس دینی از طرف روس‌ها، دیگر به وطن خود برنگشتند و در شهرهای ایران و نجف مشغول به تبلیغ و تدریس شدند.

برخی از فقهای آذربایجان، در علوم مثل فلسفه صاحب‌نظر بوده‌اند. از جمله سید حکیم حسین بادکوبی که از استادان درجه اول فلسفه در نجف به شمار می‌آید، که به سبب روی کار آمدن کمونیست‌ها و بلشویک‌ها (۱۹۲۰ - ۱۹۲۹م) و قتل و کشتار علماء، ممنوعیت دروس دینی و از بین رفتن آثار فقهای آذربایجان، بیشتر نوشته‌های آنها به دست دیگران نرسیده است. بیشتر معلوماتی که از زندگی آنها به دست نسل بعد رسیده، فقط در اذهان بزرگان و سال‌مندان اهل آذربایجان وجود داشته است.

علاوه بر این، در اثر حکومت چندساله کمونیست‌ها، هیچ کتابی در این مورد نوشته نشد؛ از این رو نگارش مقاله در این زمینه یکی از موضوعات مهم و درخور توجه است تا جایگاه و موقعیت علمی و اجتماعی آنان در این دو سده روشن گردد. ساختار نوشتار بر اساس فقهای شهرهای مهم آذربایجان است.

### فقهای شهر باکو

باکو، از شهرهای آذربایجان و پایتخت جمهوری آذربایجان فعلی است. این شهر در ساحل دریای خزر قرار دارد و در کتب جغرافیایی تاریخی، با عنوان شهر نفت و از شهرهای ولایت شیروان در کنار شماخی و باب‌الابواب (در بند) معرفی شده است.<sup>۱</sup>

۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۲۷، چاپ اول: داراحیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۲۲ق؛ حدود العالم، ترجمه میرحسین شاه، تصحیح دکتر مریم میراحمدی، ص ۴۳، تهران؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، تحقیق فرید عبدالعزیز الجندی، ج ۱، ۳۶۰، دارالکتب العلمیه، بیروت.

کتاب جغرافیایی قرن چهارم، پنجم و ششم قمری، این شهر را با اسامی باکو،<sup>۱</sup> باکه،<sup>۲</sup> باکوه،<sup>۳</sup> باکویه<sup>۴</sup> و در منابع جغرافیایی دوره صفویه به سبب وزش بادهای سخت در این منطقه، این شهر را بادکوبه نامیده‌اند.<sup>۵</sup>

علما و فقهای زیادی در این منطقه شیعه‌نشین وجود داشتند که برای تحصیل علوم دینی، به شهرهای ایران و نجف اشرف سفر کردند و حتی برخی از این افراد به مقام علمی والا دست یافتند.

حضور فعال علمای بادکوبی در نجف اشرف، به جایی رسید که در این شهر مقدس، مدرسه‌ای به نام حاج نقی بادکوبی هم ساخته شد. وی این مدرسه را در سال ۱۳۲۵ قمری، به وسعت هشتصد مترمربع، در محله مشارق نزدیک خیابان زین‌العابدین تأسیس کرد. در سال ۱۳۸۳ قمری بخش شمالی این مدرسه به دلیل احداث راه و خیابان، تخریب شد و از ۲۸ حجره آن فقط از شانزده حجره استفاده می‌شود که هنوز هم باقی است.<sup>۶</sup>

اکنون به معرفی فقهای قرن نوزدهم و بیستم میلادی جمهوری آذربایجان می‌پردازیم:

#### ۱. شیخ صفرعلی بادکوبی

شیخ صفرعلی در شهر باکو به دنیا آمده و برای تحصیل علوم دینی به نجف اشرف رفت و از حضور علما و فقهای مثل شیخ محمد لاهیجی و سیدحسین کوه‌کمره‌ای استفاده علمی برد. او در سال ۱۲۹۹ قمری بعد از اتمام تحصیلات، به وطن خود بازگشت و بعد از سال ۱۳۰۰ قمری وفات یافت. بادکوبی در وطن خود، مشغول وظایف دینی بود و کتبی هم درباره علم اصول به نام *تقریرات فی الاصول* نگاشت.<sup>۷</sup>

۱. حدود العالم، ص ۴۳۳

۲. مروج الذهب، ج ۱، ص ۱۲۶.

۳. المسالك و الممالک اصطخری، ص ۱۶۰.

۴. معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۶۰.

۵. حاج زین‌العابدین شیروانی، *بستان السیاحه*، ص ۱۲۹، ناشر آفامود، تهران ۱۳۱۵ش؛ همو، *ریاض السیاحه*، تصحیح اصغر حامد ربانی، ص ۱۱۶، انتشارات سعدی، چاپ مهارت، قم. *آذربایجان، سوت انسکلپدیاسی (دایرةالمعارف آذربایجان شوروی)*، ج ۱، ص ۵۵۰، نشریات دولت تجارت کتاب، چاپ باکو، ۱۹۷۶.

۶. نسرین احمدیان شالچی و دیگران، *نجف کانون تشیع*، ص ۱۴۱، چاپ اول: موسسه آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۸۳ش.

۷. آقایزگ تهرانی، *طبقات اعلام الشیعه*، قسم سوم، ج ۱، ص ۹۵۲، چاپ دوم: مشهد ۱۴۰۴ق؛ سید محمد غروی، ج ۲، ص ۲۰۲، چاپ اول: دارالتقلین، بیروت ۱۴۲۰ق، مع علماء النجف الاشرف

## ۲. شیخ عبد العظیم بادکوبی

شیخ عبد العظیم بادکوبی، از فقهای برجسته‌ای است که در شهر باکو بدنیا آمد. او تحصیلات خود را در نجف اشرف ادامه داد و بعد از اتمام تحصیلات، به باکو بازگشت. او در این شهر مشغول تدریس، سخن‌رانی و نشر احکام بود و در این وقت از مراجع باکو به حساب می‌آمد. بادکوبی در سال ۱۳۱۹ قمری در آن جا وفات یافت.<sup>۱</sup>

## ۳. شیخ ابراهیم بادکوبی

ابراهیم بن مولی محمدعلی بادکوبه‌ای، در نجف اشرف حضور داشت و از علما و فقهای آن سامان به حساب می‌آمد. وی تدریس فقه و علوم دیگر را به عهده گرفت و نماز جماعت را در رواق شریف اقامه می‌کرد. وی در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۲ قمری در بغداد وفات کرد و به نجف انتقال یافت و در آن جا به خاک سپرده شد. بادکوبه‌ای کتابی به نام *انیس العباد* به زبان فارسی دارد که به صورت سوال و جواب در رساله عملیه و مسائل احکامی نوشته است.<sup>۲</sup>

## ۴. شیخ عبدالغنی بادکوبی

شیخ عبدالغنی از ادباء، علماء و فقهای باکو است. وی بعد از یاد گرفتن مقدمات و فنون ادب پیش علمای این ناحیه، به عتبات مقدسه سفر کرد و علم فقه و اصول را از علمایی مثل فاضل ایروانی و میرزا حبیب‌الله رشتی فرا گرفت. بادکوبی بعد از اتمام تحصیلات، به باکو برگشته و در این شهر مشغول ارشاد و تدریس شد. مقام علمی او در شهر باکو به جایی رسید که از مراجع امور شرعی به حساب می‌آمد.

عبدالغنی از مجاهدان شیعه بود که با انقلاب کمونیستی در روسیه (۱۹۲۰ م) به مخالفت برخاست و جمعیت «الدعوة الهیه» را به قصد دفاع از حریم اسلام تشکیل داد. در این امر جمعی از علمای آذربایجان به او پیوستند و با او هم‌کاری نمودند. سرانجام انقلابیان قفقاز، او را با جمعی دیگر از علما دست‌گیر کردند و به زندان انداختند. او در سال ۱۳۵۰ قمری به دار آویخته شد و به شهادت رسید. از این فقیه و شخصیت برجسته فقط دیوان شعر فارسی و ترکی باقی مانده و بیشتر آثار او، در حمله‌ای که به خانه‌اش صورت گرفت، نابود شد.<sup>۳</sup>

۱. طبقات اعلام الشیعه، ج، ۱، ص ۱۱۳۶، قسم سوم؛ مع علماء النجف الاشرف، ج ۲، ص ۲۳۷.

۲. الذریعه، ج ۲، ص ۴۶۲ مؤسسه اسماعیلیان قم؛ طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۲۰، قسم ۴؛ مع علماء النجف الاشرف، ج ۲، ص ۴۹؛ سید محسن امین، *احیان الشیعه*، تحقیق حسین امین، ج ۲، ص ۲۰۳، دارالتعارف، بیروت ۱۴۰۶ق.

۳. *دایرة المعارف* شیع، زیر نظر احمد صدر، حاج سیدجوادی و کامران فانی، ج ۳، ص ۱۹، انتشارات شهید سعید محبی، تهران ۱۳۷۵ش.

## ۵. شیخ حنیفه بادکوبی

شیخ حنیفه بادکوبی، از علما و فقهای مبارز شیعی و متولد باکو است. او علوم اسلامی را پیش علمای شیعی آن شهر فراگرفته و در عین حال، مشغول تدریس و ارشاد مردم هم بود. هنگامی که دولت بلشویکی در روسیه پیروز گردید، او به خالفت برخاست و مانند شیخ عبدالغنی بادکوبی، از طرف کارگزاران حکومت کمونیستی دستگیر شد. سرانجام در سال ۱۳۵۰ قمری در زندان به دار آویخته شد و به شهادت رسید.<sup>۱</sup>

## ۶. حکیم سیدحسین بادکوبی

سید حسین بن سیدرضابن موسی حسینی بادکوبی لاهیجی، در سال ۱۲۹۳ قمری در روستای خردالان<sup>۲</sup> باکو به دنیا آمد. او مقدمات علوم اسلامی را در باکو نزد پدر که از علمای عراق بود، فراگرفت. بادکوبی بعد از وفات پدر، به تهران سفر کرد و در مدرسه صدر، مشغول تحصیل شد. او ریاضیات را از حوزه درس سیدابوالحسن جلوه و کتاب *اسفار* را از میرزا هاشم اشکوری فراگرفت. وی برای تکمیل علوم نقلی به نجف اشرف رفت و در این شهر مقدس، اصول را نزد آخوند ملامحمد کاظم هروی و فقه را نزد شیخ محمدحسن ممقانی تحصیل کرد.<sup>۳</sup> وی در آن سامان، در رشته فلسفه نیز شهرت یافت و یکی از دو استاد فلسفه در نجف اشرف بود و کتب *اسفار* و *تمهیدالقواعد* را تدریس کرد. علامه طباطبایی این دو کتاب را پیش آن بزرگوار خوانده است.

بادکوبی در سال ۱۳۵۸ قمری در شهر نجف اشرف وفات یافت و در جوار قبر حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام دفن شد. از آثار فقهی او *حاشیه بر کتاب طهارت* شیخ انصاری و اثر فلسفی اش *حاشیه بر اسفار صدرالمتألهین* است.<sup>۴</sup>

## ۷. شیخ صدرالدین بادکوبی

صدرالدین معروف به شیخ صدرا بادکوبی، در سال ۱۳۱۶ قمری به دنیا آمد و تحصیلات خود را در نجف اشرف فراگرفت. او از فقهای برجسته زمان خود بود و در نجف اشرف

۱. همان، ج ۳، ص ۱۸.

۲. خردالان در شبه جزیره آبخورون قرار گرفته است. (آذربایجان، سوت انسکلپدیاسی ۱۰/۹۱)

۳. *طبقات اعلام الشیعه*، ج ۱، ص ۵۸۴، قسم دوم؛ شیخ محمدشریف رازی، *گنجینه دانشمندان*، ج ۳، ص ۲۲۷؛ چاپخانه پیروز، قم، ۱۳۵۴ ش. دکتر علی بخشایشی، *مفاخر آذربایجان*، ج ۵، ص ۷۳۸؛ چاپ اول؛ نشر آذربایجان، تبریز ۱۳۷۵ ش؛ *دایرة المعارف تشیع*، ج ۳، ص ۱۸.

۴. *طبقات اعلام الشیعه*، ج ۱، ص ۵۸۴، قسم دوم؛ *مع العلماء نجف الاشرف*، ج ۲، ص ۱۵۲؛ *دایرة المعارف تشیع*، ج ۳، ص ۱۸.

کفایه الاصول و مکاسب را تدریس می‌کرد. بادکوبی در فلسفه نیز تسلط داشت و از طرف فضیلتی حوزه به تدریس کتاب *اسفار* دعوت شد. او دعوت را پذیرفت و شروع به تدریس کرد، ولی به سبب مخالفت برخی از طلاب حوزه، این امر متوقف شد. صدرالدین بادکوبی در سال ۱۳۹۲ قمری در نجف اشرف وفات یافت و از آثار او *تعلیقات بر کتب فلسفه* را می‌توان نام برد.<sup>۱</sup>

### فقه‌های شهر سالیان

سالیان، از شهرهای جمهوری آذربایجان است و بر سر راه باکو و شهر لنکران قرار دارد. این شهر از شرق، با دریای خزر احاطه شده و رودخانه معروف کور (کر) از این منطقه عبور می‌کند. فاصله آن با شهر باکو ۱۹۳ کم است.<sup>۲</sup> این منطقه شیعه‌نشین، علما و فقه‌های نام‌داری دارد؛ از جمله:

#### ۱. سیدعباس سلیمانی

سیدعباس، فرزند یحیی‌بن‌سیدحمزه حسینی موسوی سلیمانی، در روستای سادات<sup>۳</sup> سلیمان به دنیا آمد. او از فقه‌های معروف و مروجان علوم شریعت در این سامان بود و بعد از سال ۱۲۱۵ قمری وفات یافت.

آقا بزرگ تهرانی می‌نویسد: من خط سلیمانی را در کتاب *شرح اثبات الواجب* دوانی را که در اختیار داشت، مشاهده کردم. او در این کتاب، تاریخ سال ازدواج خود را که در سال ۱۲۰۱ قمری و سال وفات زوجه‌اش را در سال ۱۲۰۲ قمری اتفاق افتاده بوده، ثبت کرده است.<sup>۴</sup>

#### ۲. شیخ رمضان سلیمانی

شیخ مولی‌رمضان‌بن‌علی‌اصغر سلیمانی، از فقه‌های فاضل سالیان است و مجموعه‌ای را در شهر باکو، به دست‌خط خود تدوین کرده و در پایان این مجموعه بعد از امضای خود تاریخ سال تدوین آن یعنی ۱۲۴۱ قمری را نوشته است. در این مجموعه، کتاب *تحفه درویش میرزا محمد اخباری، المقالاد* (در حجه ظن) و *حاشیه مولی‌محمد جعفر شریعتمداری*

۱. مع العلماء النجف الاشرف، ج ۲ ص ۲۰۰.

۲. ریاض السیاحه، ص ۱۲۱؛ آذربایجان سوت انکلیدیاسی، ج ۸ ص ۲۷۱.

۳. نک: آذربایجان سوت انکلیدیاسی، ج ۶ ص ۲۷۲.

۴. طبقات اعلام الشیعه، ج ۲، ص ۵۶۲، قسم دوم.

استرآبادی بر *المعالم* وجود دارد. به گفته آقا بزرگ تهرانی، این مجموعه سلیمانی، در نجف اشرف نزد محمد موسوی الجزایری بوده است.<sup>۱</sup>

### ۳. شیخ ابراهیم سلیمانی

شیخ ابراهیم سلیمانی قفقازی، در نجف اشرف، علوم فقه و اصول را از فقهایی چون حبیب‌الله رشتی، فاضل ایروانی، میرزا حسین خلیلی و شیخ محمدحسین ممقانی یاد گرفت. وی در نجف مشغول تدریس بود و امام جماعت ایوان مرتضی شریف را هم به عهده داشته است و او آثار و تالیفاتی در علم فقه و اصول دارد که در مسوده باقی مانده است. وی سرانجام در سال ۱۳۱۴ قمری وفات یافت.<sup>۲</sup>

### ۴. شیخ عبدالسلام سلیمانی

شیخ الاسلام آخوندزاده در سال ۱۲۲۳ قمری ۱۸۴۲ میلادی در خانواده‌ای روحانی در سلیمان به دنیا آمد. وی بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی، در سال ۱۸۶۱ میلادی به تفلیس رفت و در مدرسه دینی وابسته به اداره روحانی مسلمانان قفقاز، مشغول تدریس شد. او در این مدرسه، زبان‌های آذری، فارسی و عربی و علوم شریعت و قرآن را تدریس کرد و توانست صدها جوان را با قرآن و علوم شریعت آشنا کند.

عبدالسلام در ۵۲ سالگی به درجه شیخ‌الاسلامی رسید و به ریاست اداره روحانی مسلمانان قفقاز در شهر تفلیس برگزیده شد.<sup>۳</sup> عبدالسلام در فقه و احکام شرعی، کتاب‌های رساله احکام و عمده الاحکام و در علوم دیگر، کتاب‌های *وعظ و نصیحت*، *معلم الاطفال* (این کتاب در دانشگاه باکو نگهداری می‌شود)، *مفتاح لسان فارسی* (این اثر در ۱۸۹۱ میلادی به چاپ رسید) و *الهدایه المهدویه* (درباره مناظرات عقلی که در سال ۱۸۹۹ میلادی به چاپ رسید) را نگاشت. وی در سال ۱۳۲۹ میلادی ۱۹۰۸ میلادی در شهر تفلیس وفات کرد و در این شهر مدفون شد.<sup>۴</sup>

### فقه‌های شهر لنکران

شهر لنکران از شهرهای جمهوری آذربایجان است که در کنار دریای خزر قرار دارد و با کوه‌های تالش احاطه شده است. این منطقه در سال‌های ۱۷۴۶-۱۷۴۷ میلادی مرکز و

۱. همان، ص ۵۸۲.

۲. همان، ج ۱، ص ۴-۵، قسم اول؛ مع *علماء النجف الاشرف*، ج ۲، ص ۵۰.

۳. *طبقات اعلام الشیعه*، ج ۱، ص ۱۱۲۶، قسم چهارم؛ *مفاخر آذربایجان*، ج ۵، ص ۲۸۹۴.

۴. *طبقات اعلام الشیعه*، ج ۱، ص ۱۱۲۶، قسم چهارم؛ *مفاخر آذربایجان*، ج ۵، ص ۲۸۹۴.

بایتخت خانات و ولایت تالش به شمار می‌آمد.<sup>۱</sup> در سال ۱۸۱۲ میلادی در قلعه لنکران، بین سپاه روسیه و ایران جنگی در گرفت و روسیه در سال ۱۸۱۳ میلادی لنکران را اشغال کرد. بر اساس قرارداد صلح‌نامه گلستان، در سال ۱۸۱۳ میلادی شهر لنکران جزو خاک ملحق شد و به صورت قضا و ولایت درآمد. در سال ۱۸۵۶ میلادی از طرف روسیه تزاری به قوربرنیایی باکو ملحق شد و این ولایت از شهرهای لنکران، ماسالی، جلیل‌آباد، یاردیملی، آستارا و لریک تشکیل گشت که تا سال ۱۹۲۶ میلادی به مرکزیت لنکران درآمد و سرانجام در همان سال، از طرف حکومت کمونیستی لغو شد.<sup>۲</sup>

در این دوره مناطق ماسالی، جلیل‌آباد، یاردیملی، لریک و آستارا، از ولایت و قضای لنکران به حساب می‌آمد و علمایی که به ویژه در ماسالی بودند، با لقب لنکرانی شهرت داشتند. این علما عبارتند از:

#### ۱. شیخ عبدالغفار لنکرانی

شیخ عبدالغفار لنکرانی، نزد فقهای نجف اشرف تحصیل کرد و در سال ۱۲۷۶ قمری وفات یافت. او دو پسر به نام های شیخ علی اکبر و شیخ غلامعلی داشت که از فقهای زمان خود به شمار می‌رفتند.<sup>۳</sup>

#### ۲. شیخ محمد صادق لنکرانی

محمد صادق فرزند آغامحمد لنکرانی برادگاهی،<sup>۴</sup> دروس فقه را در قزوین فرا گرفته و در این شهر کتاب رساله الاجتماع امر و نهی احمد نراقی را با خط خود نگاشت.

لنکرانی در سال ۱۲۴۸ قمری به کربلا سفر کرد و در این شهر از محضر علامه سید ابراهیم قزوینی و علامه سید مهدی علی طباطبایی استفاده علمی نمود و بعد از هجرت به نجف اشرف، دروس فقه و اصول را از علمای این شهر فرا گرفت. او بعد از اتمام تحصیل به، قفقاز برگشت و به تبلیغ دین مبین اسلام پرداخت و از مراجع این منطقه شد.

۱. بستان السیاسه، ص ۵۲۷؛ بیوک آقا حسین بالاوغلی و میرهاشم طلشی، کتاب لنکران، ص ۱۰۳، نشریات معارف، باکو ۱۹۹۰؛ آذربایجان سوت اسکله‌دیاسی، ج ۶ ص ۲۱۲-۲۱۳.

۲. همان.

۳. طبقات الشیعه، ج ۱، ص ۴۶۵، قسم سوم؛ گنجینه دانش‌مندان، ج ۷، ص ۲۸؛ مع العلماء النجف الاشرف، ج ۲، ص ۱۳۶.

۴. برادگاه، روستایی در شهر ماسالی است و دوازده کیلومتر با این شهر فاصله دارد. (آذربایجان سوت اسکله‌دیاسی، ج ۲، ص ۲۴۸)



لنکرانی کتاب های زیادی از جمله *ابتلا الاولیا* در ذکر اوصاف اولیا، *اتمام الحجج* در ذکر اثبات وجود مهدی علیه السلام، کتاب *الدر والغرور* در ذکر اعمال عمرین خطاب و کتاب *الدره الفاخره* را در آداب زیارت های اهل بیت علیهم السلام نوشته است. از کتاب های فقهی وی *مراسم الشیعه* یا *مراسم شریعه* است که آن را به صورت رساله عملیه نوشت و در سال ۱۲۸۲ قمری به اتمام رساند.

کتاب دیگر او به نام *نهایس اللباب و افتخار الشیعه*، در احکام شرعی به ترتیب کتب فقه نوشته شده است.

به گفته شیخ آقا بزرگ تهرانی، جلد اول این کتاب که طهارت را شامل می شود، در نجف اشرف در بین کتب شیخ منصور ساعدی موجود بوده است. وی سرانجام در سال ۱۲۸۵ قمری در منطقه قفقاز وفات یافت.<sup>۱</sup>

### ۳. شیخ آغا لنکرانی

فقیه فاضل، به نام آغا، فرزند محمدعلی لنکرانی، در نجف اشرف حضور داشت و علوم فقه و اصول را نزد علامه سیدحسین کوه کمره ای خواند. لنکرانی تقریرات بر اصول فقه کوه کمره ای نوشته که جلد اول آن درباره حجیه ظن و جلد دوم آن در استصحاب است. بعد از سال ۱۲۸۹ قمری یافت.<sup>۲</sup>

### ۴. شیخ ابراهیم لنکرانی

شیخ محمد ابراهیم لنکرانی از فقهای نام دار بود که در علوم عقلی و نقلی تسلط کامل داشت. او در کربلا فقه و اصول را از استادانی مانند شیخ علی یزدی و فاضل اردکانی یاد گرفت و سپس در نجف اشرف، از علمایی مثل حبیب الله رشتی، فاضل شرایبانی و فاضل ایروانی استفاده علمی برد. مقام علمی لنکرانی به جایی رسید که احتمال می رفت بعد از فاضل شرایبانی، مرجعیت شیعیان را به عهده بگیرد، ولی اجل زودرس او، مانع این کار شد. وی در سال های ۱۳۱۴-۱۳۱۵ قمری روز پنجشنبه ربیع الثانی در نجف اشرف وفات کرد و به واسطه فاضل شرببانی تجهیز شد و در صحن شریف قبیله دفن گشت. بعد از وفات او، محمدعلی نخجوانی، امامت جماعت صحن مطهر نجف اشرف را به عهده گرفت.

۱. الذریعه، ج ۴، ص ۳۸۲.

۲. گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۲۸؛ الذریعه، ج ۴، ص ۴۶۷؛ طبقات اعلام الشیعه، ج ۲، ص ۱۵۳، قسم اول؛ مع العلماء

النجف الاشرف، ج ۱، ص ۴۶۸.

لنکرانی کتب زیادی را در فقه و اصول نگاشت، از جمله: کتاب فی اصول، کتاب فی الفقه (درباره طهارت، صلاه و متاجر)، رساله فی السهو، رساله فی قاعدة المیسور، کتاب فی قضاء الفوائت، رساله فی قاعدة لاضرر و لاضرار، رساله فی العدالة، کتاب فی الدلیل العقلی و ملازمة العقلی و شرح شرایع (شامل طهارت و باب بیع). لنکرانی کتاب رساله فی الدراية الحدیث را درباره علم حدیث نگاشت.<sup>۱</sup>

### ۵. سیدرضا لنکرانی

سیدرضا فرزند سیدمحمد موسوی لنکرانی، حدوداً در سال ۱۲۵۰ قمری در لنکران به دنیا آمد و تحصیل خود را از فقه‌های نجف اشرف فرا گرفت. او هنگامی که در فقه و اصول به مقام والا دست یافت، تقریراتی بر برخی دروس اساتید خود نگاشت. به گفته آقا بزرگ تهرانی، نوشته‌های فقهی، اصولی و ادبی لنکرانی در نزد پسرش سید محمد وجود داشته و او در جوانی، کتب *عوامل ملا محسن و المراح* را که در علم نحو و صرف است، با خط خود نوشته و این دست‌خط هنوز هم باقی مانده است.

لنکرانی در فقه و اصول هم نوشته‌هایی دارد، از جمله: *حاشیه بر مکاسب و رسایل*. وی در سال ۱۳۲۲ قمری در نجف اشرف وفات کرد و یکی از فرزندان او به نام علی‌اکبر، تجهیز او را به عهده گرفت و در حجره دوم صحن مطهر دفن گردید.<sup>۲</sup>

سید رضا، فرزندی به نام سیدمحمد داشت که در سال ۱۳۱۲ قمری به دنیا آمد و در سال ۱۳۲۸ قمری وفات یافت. او فقیهی نام دار بود و از علمایی مثل میرزاعلی ایروانی، میرزا حسین نایینی و شیخ محمد حسین اصفهانی تحصیل فراگرفت.<sup>۳</sup>

### ۶. فتح‌علی برادگاهی لنکرانی

شیخ ملا فتح‌علی گل محمد برادگاهی، از عالمان لنکران بود و در نجف اشرف تحصیل کرد. او علاوه بر مقام فقهی، به شعر و ادبیات هم علاقه وافری داشت. او در علم فقه و اصول، کتاب‌های *القواعد الفقیه، القواعد الاصولیه، حاشیه ریاض المسائل، حاشیه الفصول، حاشیه مکاسب و تقریرات* را نگاشت که جلد اول کتاب اخیر درباره مباحث الفاظ، جلد

۱. طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۵۵؛ قسم اول؛ گنجینه دانش‌مندان، ج ۷، ص ۲۹؛ مع العلماء النجف الاشراف، ج ۲، ص ۴۳۸؛ *ایمان الشیعه*، ج ۲، ص ۱۹۹؛ حسن امین، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۷، چاپ اول: دارالمعارف، بیروت ۱۴۰۹ق.

۲. گنجینه دانش‌مندان، ج ۷، ص ۲۸؛ طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۷۷۰، قسم دوم.

۳. الدرریمه، ج ۴، ص ۳۸۲-۳۸۴، ج ۸، ص ۱۴؛ مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۲۰۵؛ علی‌قاضی قائینی نجفی، معجم مولفای الشیعه، کلمه لنکرانی، چاپ اول: مطبوعات وزارت ارشاد اسلامی، قم ۱۴۰۵ق.

دوم درباره ادله عقلیه و جلد سوم درباره مسائل فقه است. لنکرانی در غیر رشته فقهی و اصولی، کتاب *الدعا و مجموعة البیاضیه* را نگاشت. او بعد از سال ۱۳۳۹ قمری در نجف اشرف وفات یافت.<sup>۱</sup>

#### ۷. شیخ عبدالعزیز شیروانی لنکرانی

شیخ عبدالعزیز لنکرانی، فقیه فاضل معروف، در لنکران به دنیا آمد. او در مشهد مقدس اقامت داشت و در مدرسه نواب مشغول تدریس فقه و اصول بود. شاگردان وی کتاب درس فقهی او را جمع آوری کردند. او شرحی بر کافی با خط خود نوشته که اکنون در کتاب خانه امام رضا علیه السلام با رقم ۱۲۲۵۵ موجود است. شیخ عبدالعزیز بعد از سال ۱۳۵۱ قمری وفات یافت.<sup>۲</sup>

#### ۸. شیخ حسن لنکرانی

شیخ حسن فرزند شکور بن حاتم بن احمد لنکرانی الوادی نجفی، در سال ۱۲۷۷ قمری در روستای الوادی<sup>۳</sup> از توابع لنکران بدنیا آمد. او دوران کودکی خود را در لنکران سپری کرد و سپس به اردبیل رفت و علوم ابتدایی را در این شهر خواند. لنکرانی طی سفر خود به تبریز، از محضر علمایی مثل آقای ملکی تبریزی و میرزا فتاح تبریزی استفاده علمی برد. او برای تکمیل علم به نجف اشرف مهاجرت کرد و در این شهر مقدس، از علمایی مثل شیخ هادی تهرانی، فاضل شریانی و به ویژه میرزا حبیب الله رشتی به مدت پانزده سال به طور کامل درس فراگرفت.<sup>۴</sup>

شیخ حسن لنکرانی، دروس فقه و اصول را در نجف اشرف تدریس کرد و آثار زیادی درباره فقه و اصول نوشت؛ مانند *الملهمات الغریبه، حاشیه علی طهارت الریاض و حاشیه علی رساله الشریانی*. این فقیه بزرگوار بین سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۶۲ قمری در نجف اشرف وفات کرد و فرزندش به نام شیخ مجتبی لنکرانی داشت.<sup>۵</sup>

۱. همان.

۲. علامه سید عبدالعزیز طباطبایی، *معجم اعلام الشیعه*، ج ۱، ص ۲۴۶؛ چاپ اول: مؤسسه آل البیت، قم ۱۴۱۷ق.

۳. *مستدرکات اعیان الشیعه*، ج ۷، ص ۱۲۴.

۴. اکنون یکی از روستاهای پرجمعیت شهر ماسالی است که بر سر راه باکو و آستارا قرار دارد. فاصله الوادی با مرکز ماسالی پانزده کیلومتر است. (*آذربایجان سوت انسکلپد یاسی*، ج ۹، ص ۲۳۹)

۵. *طبقات اعلام الشیعه*، ج ۱، ص ۴۶۵؛ قسم اول و سوم؛ *گنجینه دانش‌مندان*، ج ۷، ص ۲۸؛ *مع العلماء النجف الاشراف*، ج ۲، ص ۱۳۶؛ *مستدرکات اعیان الشیعه*، ج ۶، ص ۱۴۰.

۵. *طبقات اعلام الشیعه*، ج ۱، ص ۴۶۵؛ قسم اول؛ *مستدرکات اعیان الشیعه*، ج ۶، ص ۱۴۰.

۹. شیخ مجتبیٰ لنکرانی<sup>۱</sup>

آیت‌الله شیخ مجتبیٰ لنکرانی بین سال‌های ۱۳۱۵-۱۳۲۰ قمری به دنیا آمد. او مدتی در سامرا اقامت داشت و در نجف اشرف، از محضر علمایی مثل آیت‌الله تائینی، محمدحسین غروی کمپانی و آیت‌الله ابوالحسن اصفهانی استفاده کرد. او در نجف اشرف، در فقه و اصول به مقام عالی دست یافت و مدرس معروف مکاسب و رسایل به حساب می‌آمد.<sup>۲</sup> او در سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۳ قمری مانند علمای دیگر از عراق رانده شد و در نتیجه به ایران آمد. لنکرانی با اصرار علمای اصفهان، مشغول تدریس و تبلیغ در این شهر شد و سرانجام در سال ۱۴۰۶ قمری وفات یافت. لنکرانی آثاری همچون، دیوان شعر، شرح بر ارجوزة المنجیه سید محمد رضوی کشمیری و کتب متفرقه در علم فقه و اصول نوشته است.<sup>۳</sup>

## ۱۰. شیخ محمد لنکرانی

شیخ محمد فرزند رضا بن حسن لنکرانی در سال ۱۳۳۶ قمری در لنکران به دنیا آمد و در زمان انقلاب شوروی به مشهد رفت. او مقدمات را پیش پدر و دیگر علمای آن سامان خواند و در هفده سالگی به قم مشرف شد و از محضر میرزا محمدعلی ادیب تهرانی استفاده علمی برد. لنکرانی بعد از تکمیل علوم، به تهران رفت و در خیابان خراسان، امام جماعت مسجد توسی شد و به تبلیغ احکام شرعی پرداخت و کتاب خانه‌ای هم در این مسجد تأسیس کرد.<sup>۴</sup>

## ۱۱. میرزا جعفر لنکرانی

میرزا جعفر فرزند ملارجب لنکرانی، در دوازدهم ربیع‌الاول سال ۱۳۲۲ قمری به دنیا آمد و تا پانزده سالگی در لنکران، در خدمت پدرش بود. او ادبیات را تا اندازه‌های پیش پدر خواند و سال ۱۳۳۷ قمری به تهران سفر کرد و علوم معقول، فقه و اصول را از علمای آن سامان فراگرفت. لنکرانی از تهران به قم آمد و به مدت سه سال در محضر میرزای همدانی و آیت‌الله حائری یزدی بود و برای تکمیل علم به نجف اشرف رفت. او در نجف از علمایی

۱. استاد دکتر نعمت‌الله صفری فروشانی این عالم لنکرانی را در مدرسه اصفهان دیده است.

۲. طبقات اعلام الشیعه، ج ۱ ص ۴۶۵، قسم اول؛ گنجینه دانشمندان، ج ۳ ص ۱۰۶؛ مع العلماء النجف الاشرف، ج ۲ ص ۵۴۱.

۳. گنجینه دانشمندان، ج ۳ ص ۱۰۶؛ مع العلماء النجف الاشرف، ج ۲، ص ۵۴۱.

۴. گنجینه دانشمندان، ج ۴، ص ۵۴۵-۵۴۶.

مثل آیت‌الله ناینی، آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله میرزا علی ایروانی درس گرفت و دوباره به تهران بازگشت. او در مسجد وزیر دفتر، به امامت و ترویج معارف اسلامی مشغول بود و در سال ۱۳۹۴ قمری وفات یافت.<sup>۱</sup>

## ۱۲. حاج میرزا عبدالله لنکرانی

میرزا عبدالله لنکرانی در لنکران به دنیا آمد و علم مقدمات را در این سامان فرا گرفت. او پس به قم هجرت کرد و نزد آیت‌الله حجت، آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله بروجردی، فقه و اصول را آموخت. لنکرانی بعد از تکمیل تحصیلات، به تهران رفت و در گروس رستم آباد شمیران، اقامت کرد و مشغول تدریس و تبلیغ شد.<sup>۲</sup>

به نوشته شریف رازی، او به شیخ عبدالله قفقازی لنکرانی مشهور بود و برای فرار از ظلم دولت شوروی، به اردبیل مهاجرت کرد و از آن جا به قم سفر نمود. او بعد از استفاده کامل از استادان یادشده، به تدریس پرداخت.<sup>۳</sup> اطلاعاتی درباره تاریخ وفات و تولد وی در دست نیست.

## ۱۳. شیخ فاضل لنکرانی قفقازی

فاضل قفقازی، در سال ۱۳۱۴ قمری در لنکران تولد یافت و پس از بلوغ، به شهر اردبیل مهاجرت کرد. او مقدمات و ادبیات را مدت چهار سال در این شهر خواند و بعد به زنجان رفت و بعد از آن جا به شهر مقدس مشهد مسافرت کرد.

لنکرانی در مشهد از استادانی چون شیخ محمد آقازاده خراسانی و مرحوم آشتیانی استفاده علمی برد و در سال ۱۳۴۲ قمری به قم آمد. لنکرانی در قم نزد آیت‌الله حایری تحصیل نمود و بر کتاب صلاه او تقریری به نام *نتایج الافکار* نوشت. لنکرانی از افاضل حوزه و از خواص آیت‌الله بروجردی بود و علوم فقه و اصول را در قم تدریس می‌کرد و چند رسایل هم در فقه و اصول نوشت که هنوز به چاپ نرسیده است.<sup>۴</sup>

## ۱۴. شیخ عبدالحسین لنکرانی

شیخ عبدالحسین لنکرانی قفقازی، در سال ۱۳۲۷ قمری در یکی از روستاهای لنکران به دنیا آمد. وی از دوازده سالگی در خدمت دایی خود به نام مرحوم ثقة الاسلام آقای

۱. نک: محمد شریف رازی، *آثار الحجّة*، ص ۲۴۶ بخش پنجم، چاپ سوم: موسسه مطبوعات دارالکتاب، قم: گنجینه

*دانش‌مندان*، ج ۴، ص ۵۴۴.

۲. همان، ج ۴، ص ۶۶۱.

۳. *آثار الحجّة*، ص ۹۸-۹۹، بخش دوم.

۴. همان، ص ۵۹، بخش یک.

شیخ علی، مقدمات و ادبیات را فراگرفت. هنگامی که دولت شوروی نشر و تدریس علوم دینی را در سال ۱۳۴۵ قمری ممنوع کرد، او مخفیانه به اردبیل آمد و مدت ده سال به تحصیل علوم سطح متوسط و نهایی مشغول شد. او از سال های ۱۳۵۵-۱۳۶۱ قمری در شهرهای سمنان و زنجان بود و در سال ۱۳۶۱ به قم مهاجرت کرد. لئکرانی در قم از محضر استادانی مانند آیت الله حجت و آیت الله خوانساری استفاده کرد و بر دروس آیت الله حجت تقریراتی نوشت. وی حواشی متفرقه‌ای نیز در فقه و اصول داشت. او در آخر عمر، مشغول تدریس دروس فقه و اصول در شهر قم بود.<sup>۱</sup>

### فقه‌های نخجوان

نخجوان از ولایات خودمختار جمهوری آذربایجان به شمار می‌آید که شهرهای جلفا، اردوباد، بابک، شَرُور و سدرک به مرکزیت این شهر است.<sup>۲</sup>

این شهر در کتب جغرافیایی قرن چهارم قمری به «نشوی» معروف بود و در بعدی به نخجوان مشهور شد و از شهرهای آذربایجان و ارمنینه به حساب می‌آمد.<sup>۳</sup> علما و فقه‌های نام داری به ویژه در قرن‌های نوزده و بیست میلادی در این شهر وجود داشته‌اند؛ از جمله:

#### ۱. شیخ عبدالصمد نخجوانی

شیخ عبدالصمد فرزند محمدعلی نخجوانی فقیه برجسته‌ای بود که حدوداً بعد از سال ۱۲۴۰ قمری وفات یافت. او با خط خود کتاب *شرایع الاسلام* محقق حلّی را نوشت و آن را در سال ۱۲۴۰ قمری به اتمام رساند. وی همچنین حواشی مفیدی بر کتب فقهی و اصولی نوشته است.<sup>۴</sup>

#### ۲. سیدعلی نخجوانی

سید علی بن امیر صادق آقا نخجوانی نجفی، فقیه و عالمی ماهر بود. وی در نجف اشرف در حضور میرزا حبیب الله رشتی، شیخ میرزا حسین خلیلی و شیخ محمدحسن ممقانی تحصیل کرد. وی بعد از فراگرفتن فقه و اصول، در سال ۱۳۲۰ قمری مریض شد و برای معالجه به ایران سفر کرد و به زیارت امام رضا علیه السلام رفت. وی در سال ۱۳۲۸ قمری در تهران وفات یافت.<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۹۸، بخش دوم.

۲. آذربایجان سوت انسکلپد یاسی، ج ۷، ص ۳۶۷. (دائرة المعارف آذربایجان شوروی)

۳. نک: ابوالقاسم ابن حوقل نصیبی، *صورة الارض*، ص ۳۴۳، چاپ دوم، چاپ برزیل، لیدن ۱۹۳۸؛ ابن الفقیه، *مختصر کتاب البلدان*، ص ۲۸۷، چاپ برزیل، لیدن ۱۳۰۲ق؛ *معجم البلدان*، ج ۵، ص ۳۱۸، کلمه نخجوان.

۴. *طبقات اعلام الشیعه*، ج ۲ ص ۷۳۶، قسم دوم.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۴۵۴، قسم، *مع العلماء النجف الاشرف*، ج ۲، ص ۲۷۹.

### ۳. شیخ محمدعلی نخجوانی

محمدعلی بن حاجی خداداد نخجوانی نجفی، فقیه اصولی و از علمای معروف قفقاز بود که در سال ۱۲۶۸ قمری در نخجوان به دنیا آمد. او پس از فراگیری مقدمات، به نجف مهاجرت کرد و فقه و اصول را در حضور میرزا حبیب‌الله رشتی و فاضل ایروانی و فاضل شربیانی، یادگرفت.

وی بعد از وفات فاضل شربیانی، مرجع تقلید قفقاز و بلاد دیگری گردید. وی به صورت مستقل به تدریس پرداخت<sup>۱</sup> و در عین حال، امام جماعت صحن علوی شریفه را به جای علامه شیخ ابراهیم لنکرانی به عهده گرفته است. این عالم بزرگ در سال ۱۳۳۴ قمری در ۶۶ سالگی در کربلا وفات کرد و جنازه او به نجف اشرف منتقل شد و در صحن مقدس مرتضوی در حجره متصل به مسجد عمران آرام یافت.

آثار فقهی وی عبارتند از: رساله در امر نهی، رساله در اجماع منقول، رساله در مقدمه واجب، شرح بر فرائد اصول، شرح بر طهارت ریاض، حاشیه بر رسائل، حاشیه بر مکاسب، حاشیه بر متاجر شیخ انصاری و دعاه الحسینیه که به زبان فارسی درباره احکام انواع تعزیه است. این کتاب در سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۳۱ قمری در شهر بمبئی به چاپ رسید.<sup>۲</sup>

### ۴. سیدمصطفی نخجوانی

فقیه فاضل سیدمصطفی نخجوانی نجفی، در سال ۱۲۷۵ قمری به دنیا آمد و فقه و اصول را در نجف اشرف از شیخ ملاکاظم خراسانی و شیخ حسن ممقانی فرا گرفت. وی در سال ۱۳۳۷ قمری در نجف اشرف وفات یافت و در ایوان علما، پشت صحن شریفه، دفن شد.<sup>۳</sup>

### ۵. مولی عبدالغفار اردوبادی

عالم، فقیه و فاضل، مولی عبدالغفار اردوبادی،<sup>۴</sup> در نخجوان به دنیا آمد و در نجف اشرف از شاگردان شیخ ابوالقاسم اردوبادی و شیخ شریعت اصفهانی به حساب می‌آمد. وی بعد از

۱. نک: محمدعلی مدرس، *ریحانة الادب*، ج ۶، ص ۱۵۷، انتشارات شفق، تبریز، بی‌تا؛ علی اکبر دهخدا، *لغت‌نامه دهخدا*، زیر نظر دکتر محمد معین، کلمه نخجوان، ص ۳۸۶، چاپ خانه دولتی ایران، تهران ۱۳۳۷ش. نجف

کانون تشیع، ص ۱۸۴.

۲. *طبقات اعلام الشیعه*، ج ۱، ص ۱۴۲۹، قسم چهارم؛ *الدربمه*، ج ۶، ص ۱۵۹ و ج ۸، ص ۱۹۸؛ *ریحانة الادب*، ج ۶، ص ۱۳۷؛ *مع العلماء النجف الاشرف*، ج ۲، ص ۴۴۱؛ *مفاخر آذربایجان*، ج ۱، ص ۲۴۲؛ *لغت‌نامه دهخدا*، ص ۳۸۶، کلمه نخجوان، زیر نظر دکتر محمد معین، چاپ‌خانه دولتی ایران، تهران، ۱۳۳۷ش.

۳. *اعیان الشیعه*، ج ۱۰، ص ۱۲۹.

۴. اردوباد؛ یکی از شهرستان‌های ولایت نخجوان است که ۸۸ کم با شهر نخجوان فاصله دارد؛ *آذربایجان سورت انسکلپدیاسی*، ج ۷، ص ۳۶۷.

یا گرفتن فقه، اصول و علوم اسلامی، به قفقاز بازگشت و مرجع شیعیان آن منطقه گردید. او از مجاهدان اسلام و شیعیان منطقه بود و هنگام حمله و حاکمیت کمونیست‌ها در آذربایجان، دست‌گیر و در زندان حبس شد.

نخجوانی همانند شیخ عبدالغنی بادکوبی و شیخ حنیفه بادکوبی، در سال ۱۳۵۰ قمری در زندان به دار آویخته شد و به شهادت رسید. او آثاری در فقه و اصول نوشته، ولی به احتمال قوی، به سبب حمله‌ای که به خانه او انجام گرفته، از بین رفته است.<sup>۱</sup>

### فقه‌های گنجه، بردعه و قره باغ

شهرهای بردعه، گنجه و ولایت خودمختار قره باغ که شهرهایی از جمله شوشا و خانکندی را شامل می‌شود، از شهرهای جمهوری آذربایجان به حساب می‌آید.<sup>۲</sup> شهر گنجه در کتب جغرافیایی با نام «جنزه» و از شهرهای اران و آذربایجان ذکر شده است.<sup>۳</sup> از شهر بردعه نیز با عنوان مرکز اران و مهم‌ترین شهر اران یاد می‌شود.<sup>۴</sup>

ولایت قره باغ شامل شهرهایی است که در کتب جغرافیایی قرن چهارم قمری به بعد، به اران مشهور بود و در کتب جغرافیایی دوره قاجار، با نام قره باغ شهرت یافت.<sup>۵</sup> علما و فقه‌های زیادی در گنجه، بردعه و قره باغ زندگی می‌کردند که خدمات ارزش‌مندی را به مردم این منطقه نمودند. در این جا، به چند تن از این فقها اشاره می‌شود:

#### ۱. شیخ محمدعلی گنجه‌ای

شیخ محمدعلی گنجه‌ای قفقازی به نجف اشرف هجرت کرد و فقه و اصول را از فقه‌هایی از جمله شیخ محمدحسن مامقانی، فرا گرفت، او امام جماعت ایوان شریف نجف اشرف بود و آثاری را هم از جمله حواشی بر رساله‌های عملیه نوشت. وی در سال ۱۳۴۶ قمری در نجف اشرف وفات یافت.<sup>۶</sup>

۱. مع العما النجف الشرف، ج ۲، ص ۲۳۸.

۲. آذربایجان سوت انسکلپدیاسی، ج ۱ ص ۱۰۶؛ محمدحافظزاده، کتاب قره باغ، ص ۲۲-۲۴، انتشارات نویداسلام، قم ۱۳۸۱ ش.

۳. صورة الارض، ص ۳۲۶؛ حدود العالم، ص ۴۲۳؛ مختصر کتاب البلدان، ص ۲۸۶؛ معجم البلدان، ج ۲ ص ۱۹۹.

۴. یعقوبی، البلدان، ص ۷۹؛ چاپ اول: دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۲۲ق؛ حدود العالم، ص ۴۲۲؛ صورة الارض، ص ۳۳۸؛ معجم البلدان، ج ۲ ص ۴۵۱.

۵. بستان السیاحه، ص ۳۲۴، ۴۲۸؛ میرزا جمال جوان شیرقره باغی، تاریخ قره باغ، تصحیح حسین احمدی، ص ۱۳۹، ۱۴۸ چاپ اول: انتشارات وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۸۴ ش.

۶. طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۱۳۱۳، قسم چهارم.



## ۲. شیخ محمد گنجه‌ای

شیخ محمد گنجه‌ای فرزند شیخ محمدعلی فردی فقیه و فاضل بود که وکیل مراجع نجف اشرف به شمار می‌آمد. شیخ آقا بزرگ تهرانی، وفات او را در سال‌های اخیر دانسته است.<sup>۱</sup>

## ۳. عبدالرحیم بردعی

عبدالرحیم شاعر، فقیه و عالم جلیل‌القدر، در سال ۱۱۹۲ قمری در نجف اشرف زندگی می‌کرد. او در حوزه علمیه نجف، مشغول به تحصیل بود و از استادان فقه و اصول استفاده کامل برد. او به سبب علاقه به ادب و شعر، قصاید خوبی سروده است. وی علاوه بر مقام فقهی، شاعری فاضل و برجسته بود.<sup>۲</sup>

## ۴. شیخ اسماعیل قره‌باغی

شیخ مولی اسماعیل قره‌باغی نجفی، از قره‌باغ به تبریز مهاجرت کرد و در مدرسه حاج صفرعلی مشغول تحصیل شد. بعد از دو سال به تهران و اصفهان رفت و سپس به عتبات عالیات مسافرت کرد. او در نجف اشرف از محضر سید محسن شیرازی، فاضل ایروانی و شیخ محمدحسن مامقانی استفاده نمود و به درجه اجتهاد نایل شد. از شاگردان قره‌باغی می‌توان به سید میرزا قاضی طباطبایی تبریزی اشاره کرد. او علاوه بر تدریس فقه و اصول، به استاد اخلاق هم مشهور بود. وی در سال ۱۳۲۳ قمری و به قول دیگر در سال ۱۳۲۷ در نجف اشرف وفات یافت و در وادی السلام دفن شد. از آثار فقهی و اصولی او می‌توان به حاشیه فصول الاصول و حاشیه بر شرح معالم اشاره کرد.<sup>۳</sup>

## ۵. شیخ حسن قره‌باغی

شیخ حسن بن محمدباقر قره‌باغی، در نجف اشرف، نزد عالم بزرگ شیخ مرتضی انصاری تحصیل کرد. او کتاب‌هایی در علوم مختلف اسلامی نوشته، از جمله: تجوید القرآن، شرح دعا السمات، رساله التقیه، رساله السجادات، التسامح فی ادلة السنن و هم‌چنین رسایل دیگر، در فقه و حکم شرعی دارد که تاریخ اتمام آن را سال ۱۲۶۰ قمری می‌داند.<sup>۴</sup>

۱. همان، ج ۱، ص ۱۳۱۳، قسم چهارم.

۲. مع العلماء النجف الاشراف، ج ۱ ص ۳۹۲.

۳. طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۱۴۹، قسم اول؛ مع العلماء النجف الاشراف، ج ۲، ص ۸۶؛ اعیان الشیعه، ج ۳،

ص ۴۰۰.

۴. اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۲۴۱؛ مع العلماء النجف الاشراف، ج ۱، ص ۵۲۸.

## نتیجه

فقیهان مقتدری در قرن‌های نوزده و بیست میلادی در سرزمین آذربایجان زندگی می‌کرد و در علم فقه همانند علوم دیگر، سهمی بسزا داشته‌اند. برخی آنان در کشور آذربایجان دارای شخصیت برجسته‌ای بوده‌اند و برخی دیگر در نجف اشرف و در دیگر شهرهای ایران شهرت علمی و معنوی کسب کرده‌اند.

تدریس فقه و اصول در نجف اشرف مقام علمی آن‌ها را نشان می‌دهد که از استادان درجه اول این مرکز علمی به حساب می‌آمده‌اند. برخی از این علما در این شهر به درجه اجتهاد رسیده‌اند و حتی عده‌ای از آنها به مرجعیت تقلید شیعیان قفقاز و دیگر شهرها نایل شده‌اند. آنها در کنار تدریس علوم دینی، آثاری هم زمینه فقه و اصول نوشته و با تألیفات خود، کتاب خانه‌های مسلمانان را زینت بخشیده‌اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

۱. آذربایجان سوت انسکلپدیاسی (دایرةالمعارف آذربایجان شوروی)، نشریات دولت تجارت کتاب، چاپ باکو، ۱۹۷۶.
۲. آقا بزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، دارالمرتضی، چاپ دوم، مشهد، ۱۴۰۴ق.
۳. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الى تصانیف الشیعه، مؤسسه اسماعیلیان قم.
۴. ابوبکر بن محمد، مختصر کتاب البلدان، ابن الفقیه، چاپ برزیل، لیدن ۱۳۰۲ق.
۵. اعیان الشیعه تحقیق سید محسن امین، دارالتعاریف، بیروت ۱۴۰۶ق.
۶. بخشایشی دکتر عقیق، مفاخر آذربایجان، چاپ اول: نشر آذربایجان، تبریز ۱۳۷۵ش.
۷. بیوک آغا حسین بالا اوغلی و میرهاشم طالش، کتاب لنگران، نشریات معارف، باکو ۱۹۹۰.
۸. حدود العالم من المشرق الى المغرب، ترجمه میرحسین شاه، تصحیح دکتر مریم میراحمدی، تهران.
۹. حموی یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، تحقیق فریدعبدالعزیز الجندی، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۱۰. مسعودی علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، چاپ اول، داراحیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۲۲ق.
۱۱. حاج زین العابدین شیروانی، بستان السیاحه، تهران ۱۳۱۵ش.
۱۲. دایرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر، حاج سیدجوادی و کامران فانی، انتشارات شهید سعید محبی، تهران ۱۳۷۵ش.
۱۳. ریاض السیاحه، تصحیح اصغر حامد ربانی، انتشارات سعدی، چاپ مهارت، قم.
۱۴. رازی شیخ محمد شریف، گنجینه دانش مندان، چاپ خانه پیروز، قم، ۱۳۵۴ ش.
۱۵. رازی محمد شریف، آثار الحجة، مؤسسه مطبوعات دارالکتاب، قم.
۱۶. ریحانة الادب، مدرس، محمدعلی، انتشارات شفق، تبریز، بی تا.
۱۷. شالچی نسرین احمدیان و دیگران، نجف کانون تشیع، چاپ اول: مؤسسه آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۸۳ش.
۱۸. طباطبایی علامه سیدعبدالعزیز، معجم اعلام الشیعه، چاپ اول: مؤسسه آل البيت، قم ۱۴۱۷ق.

۱۹. غروی سید محمد، مع علماء النجف الاشرف، دارالثقلین، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۲۰. فکرت محمد آصف، مصنفات الشیعه، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ش.
۲۱. قائینی نجفی علی قاضی، معجم مؤلفی الشیعه؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۵ق.
۲۲. لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین، کلمه نخچوان، چاپ خانه دولتی ایران، تهران ۱۳۳۷ش.
۲۳. مستدرکات اعیان الشیعه، چاپ اول: دارالمعارف، بیروت ۱۴۰۹ق.
۲۴. میرزا جمال جوان شیر قره‌باغی، تاریخ قره باغ، تصحیح حسین احمدی، چاپ اول: انتشارات وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۸۴ش.
۲۵. یعقوبی، البلدان، ابن واضح، چاپ اول: دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۲۲ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی